

## کنترل و نظارت در نظام اداری

دنبالده شماره صل .

۵- نظام متمرکز وجود در حسابهای تعین نده، خزانه، کشور یکی از برجسته‌ترین عوامل کنترل و نظارت نظام اداری می‌باشد، زیرا . طریق کنترل و نظارت مذکور به نتایج از حذف وصل وجود و منابع درآمد بودجه، مملکت جلوگیری می‌نماید، و از هرج و مرج و سوءاستفاده، درآمدهای بودجه‌ای می‌کاهد، بلکه سیاست مالی کشور را هم در نل به هدف تقسیم عادلانه، ثروت، حیات و سهیل مینماید .

ماده ۳۳ قانون محاسبات عمومی تصوب ۱۵ دیماه ۲۵۲۹ در این مورد بشرح زیر تدوین نده است .  
"وجهی که از محل درآمدها و سایر منابع بامین اعمیاب منظور در بودجه عمومی دولت وصول مسود، و همچنین درآمدهای ترکنهای دولتی باستثناء . بانکها و موسسات اعمیاری و شرکت سهامی بیمه ایران، باید بحسابهای خزانه که در بانک مرکزی ایران افساح مگردد، بحویل شود ."

ماده ۲۴ قانون برنامه و بودجه کشور تصوب افند ۲۵۳۱ شاهنشاهی هم مفهوم ماده ۳۳ بالا را حکم میکند. آشننامه تمرکز وجود و سرده تصوب ۲۹ افند ۲۵۲۹ شاهنشاهی وزارت دارائی مستند بمواد ۳۳ و ۳۴ و ۳۵ قانون محاسبات عمومی که شامل ماده ۱۱ ماده و ۴ بصره می‌باشد درباره تمرکز درآمدها و وجود دولتی و وظائف دستکاههای ذبحسابی وزارتخانهها و مامورین اخذ مالیات از منابع درآمد را صروحا تعین و مشخص نموده است .

ماده ۱۱ آشننامه مذکور بشرح زیر اشعار میدارد . برای هر ذبحسابی یک حساب تحب عنوان متمرکز درآمد عمومی از طرف خزانه در بانک مرکزی ایران، و در شهرستان در شعب بانک ملی ایران (به نمایندگی بانک مرکزی ایران) افساح مسود . کلید و وصولیهای باست درآمد عمومی و سایر درآمدها تکه تواما با درآمدهای عمومی وصل مسود بحساب مزبور منتقل مگردد . موجودی این حساب بر سببکه خزانه تعین میکند بحساب با حسابهای مربوط انتقال داده مسود ."

مواد ۲ الی ۱۱ آشننامه بالا و وظائف و تکالیف دستکاههای اداری مامور وصول و اتصال درآمدهای دولتی را تعین و جگونگی اجرای آنرا روشن مسازد. بنابراین این قوانین و آشننامههای مالی دولت که حاکم بر اجرای بودجه کشور هستند بر سیاست مالی مملکت هم

کنک متکد یکی از عوامل مؤثر کسرول و نظارت دستکاهنای ادارای هم مساند .  
هرگاه نظام سرکر وجوده و سبرده بطور کامل رعایت واجراء نود ، راه سو استفاده و  
حیف و میل رجوه عمومی از اس طریق سدود مسکردد و برای مقامات ذبصلاح و مسئول محری  
ساست مالی کشور هم روس منبود که از هر کدام از منابع درآمدهای منبمنی نده  
بوده ، سالیانه ملک جده صلخ وصول سده و در تجزیه و تحلیل برآورد بودجه و طرحریزی  
برنامههای سمرت انصادی و اجتماعی کسور بادید روشتری فعالیت مساند .  
جند موضوع را بعنوان مثال ساده شرح زیر می نکانیم .

(۱) - حساب سرکری سال ۲۵۳۶ مالیات حقوق کارکنان سرکنیا شماره ۹۶۱۱۱ در بانک  
ملی شعبه مرکزی نهران است . کلیه سرکنیا مالیات حقوقی خود را طبق ضوابط مصاعدی  
خاص قانونی ساسی ماهانه کسر و طی چک حسابداری مربوط بحساب بالابرداحت نماند  
در نتیجه در پایان سال مالی مشخص مسکردد که چه مبلغ از درآمد منبمنی نده بوده ،  
سالیانه از اس صلخ درآمد (نوع آن مالیات سسفت است ) در حساب معس سده سرکرز  
نماند است .

اس روس ، دستکاه اداری سرکنیا از نظر کسر مالیات حقوق و برداحت آن بحساب سرکری  
خراند ؛ دولت کسرول و نظارت متکد ، و حسابرسی آن در هر لحظه امکان بدر است . ولی  
هرگاه اداره مالی سازمان روس قوی را اجرا مساند و درآمدهای مکسوره مذکور از حقوق  
کارکنان سرک را بحساب جاری ۹۶۱۱۱ در بانک ملی واربر نماند ، دستکاه مالی سرک  
از اس نظر قابل کنترل نسب . زیرا امکان دارد وجوه مکسوره را بحسابهای دیگر دلخواه  
(عمر حساب ۹۶۱۱۱) و با در وجه سازمان و مقامات مسئول وصول مالیات برداحت نماند  
که در انصورت هم قابل حث و میل و برداحت و سو استفاده است و هم منبع درآمد مذکور  
(۹۶۱۱۱) بصورت قابل منهنی در مساند . از طرفی - بنرض اسکه وجوه مکسوره بوق بصورت  
بالا مورد استفاده ترار نکرد و بدام غارتگری نبفند ، اما ما مورس با سازمان وصول و اتصال  
مالیات آنرا بحساب مثلا ۹۶۳۳۳ در بانک ملی (مالیات بردآمد سرکنیا) واربر نماند که  
در سبحد وجوه حاصله از درآمد حقوق کارکنان سرک (حساب ۹۶۱۱۱) بحساب منبع  
درآمد معس نده خود برداحت نمنبود و بحساب مالیات بردآمد سرکنیا (۹۶۳۳۳) بر  
خلاف واربر مسکردد .

در سبحد ما مورس خطاکار و سو استفاده جوی وصول مالیات از طریق با ضروع و با اخذ روه  
خامسوز و صدملی از سرکنیا ، مالیات بردآمد آنها را بطور حصفی دریافت نمکنند و  
برابر ندم وصول مالیات مذکور از سرکنیای بردآمد ساست مالی دولت اجرا نمیشود و  
عی ، تنی بر (صاحبان سهام سرکنیا) و قفسر ، مفسر منبود (کارکنان حقوق بکر سرکنیا) .  
سایر اس بنظر نگارنده اجرای صحیح آئیننامه سرکر وجوده و سبرده عمومی دارای فلسفای

است که محاسبات آن بطور چند جانبه بسیار تریبخش است و کنترل کننده دستگاههای مالی سازمانهای اداری میباشد، و از نظر پرداخت و دریافت وجوه نظارت حسابرسی را بر دستگاه مالی سازمان امکان پذیر مسازد.

(۲) - مثال دیگر، اکثر منابع درآمد غیر مستقیم شهرداری تهران در حسابهای مرکزی ۸۷۶ و ۷۶۳ خزانه بایستی متمرکز گردد، و برای انجام هزینههای آن سازمان باید طبق ضوابط معین درخواست وجوه، از این حسابها با موافقت توسط دستگاه پرداخت کننده، خزانه صورت گیرد. یکی از منابع درآمد این حسابها عوارض فروش بنزین در استان مرکزی است که امور بخش شرکت ملی نفت ناهیان و موصول و شهرداری تهران پرداخت مینماید. هرگاه این پرداختها بحسابهای ۸۷۶ و ۷۶۳ خزانه واریز شود، که قانون و آئیننامه تمرکز وجوه و سرده اجرا شده راه هر گونه جابجائی وجوه عمومی، حیف و میل و سوء استفاده در این باره مسدود میگردد و از هر گونه جپاول و غارتگری احتمالی ثروت عمومی توسط بعضی هادر دستگاه شهرداری جلوگیری بعمل میآید. ولی هرگاه وجوه حاصله از عوارض فروش بنزین توسط امور مالی بخش شرکت ملی نفت در وجه سازمان مالی با مقامات شهرداری تهران پرداخت گردد، هرگونه سوء استفاده و برداشت نامشروع وجوه عمومی را خدای ناکرده امکان پذیر مسازد. مثلا مقام با دستگاه مالی دریافت کننده چک عوارض مذکور می تواند با ظهیر نویسی چک رسیده از امور بخش شرکت ملی نفت با وجه ترا حسابی بادر وجه اشخاصی دلخواه خود پرداخت نماید و یا اگر بفرض اینکه وجوه حاصله مذکور مستقیما مورد سوء استفاده قرار نگیرد، بطور غیر مستقیم از طریق دیگر شامل سوء استفاده میشود، یعنی وجوه حاصله که بایستی بحسابهای ۸۷۶ و ۷۶۳ خزانه واریز شود و بعمارف مخصوص بخود برسد، برعکس امکان دارد وسیله مقامات یا اداره مالی شهرداری بحسابهای درآمد مالیاتهای مستقیم عوارض نوسازی، حق پارکینگ و غیره پرداخت گردد. که در نتیجه بحسابهای درآمد حق پارکینگ و نوسازی و غیره با وجوه حاصله از درآمد عوارض فروش بنزین تاملین شده، و مامورین سوء استفاده جوی وصول حق پارکینگ و عوارض و نوسازی و غیره شهرداری با خیال راحت در مورد وصول عوارض نوسازی و حق پارکینگ و درآمد دیگر تعیین شده احساس مسئولیت نمیکند در نتیجه امکان سوء استفاده و اخذ رشوه و وجوه نامشروع برای کارکنان سود جو فراهم گردیده و اشخاص متمول و ثروتمندی که با سستی مطالب هنگفتی بصندوق درآمد شهرداری پرداخت نمایند، از پرداخت بدهی قانونی خود فرار میکنند و احتمالا با همکاری مامورین فاسد سازمان سیاست مالی کشور لطمه میزنند.

(البته مراتب بالا بعنوان مثال علمی مندرج است و هیچگونه سندیت و واقعیتهای ندارد انشاء اللہ تعالی تمام دستگاههای اداری اصول انقلاب شاه و ملت را درک خواهند نمود).

(۲) - مثلا هرگاه اداره کل مالیاتهای تهران وجوه حاصله از فروش فرآوردههای نفتی داخل

کشور را (حدود  $\frac{1}{4}$  کل فروش داخلی بعنوان مالیات به اداره، کل مالیاتها پرداخت میشود) بحساب تعیین شده درآمد نفت از فروش داخل کشور واریز ننمایند و برخلاف قوانین و مقررات کفنه شده، آنرا بحساب درآمدهای مالیاتهای مسقیم نظیر مالیات بر درآمد، مالیات بر فروش، مالیات برارث و غیره پرداخت نمایند، و از این طریق انحصار مؤدی حقوقی و حقیقی نیرومند و سرمایه‌دار با پرداخت مبالغ نامشروع به مسئولین وصول مالیات از پرداخت بدهی قانونی و حقه خود بدولت فرار میکنند، و نه تنها دولت را در تعدیل ثروت عمومی گمراه و عاجز مسازند و روز بروز بر ثروت حرام و بادآورده آنان افزوده میگردند، و تکاف ثروت طبقاتی را هم عموسر میکنند، بلکه کارکنان سازمان دستگاه اداری وصول و ابطال مالیات را هم با وسائل فرسوده و گاهی نهدید کننده و ضد ملی آلوده میسازند. هرگاه احتمالاً جنس عطلی صورت گیرد، درآمد کاذب مالیاتهای مسقیم با بول درآمد ملی نفت نامن و جابجا شده و بظاهر وصل شده نشان داده میشود ولی در حقیقت کاذب و غیر واقعی است و ضربه مهلکی را بر سبک اقتصاد کشور وارد مسازد و هنگام کنترل و تفریق بودجه کل کشور در مجلس سورا مقامات مسئول مملکت را هم در طرحریزی اقتصادی و اجتماعی کشور نامند و گمراه مینمایند.

نتیجه، با شرح سه مثال ساده غیر واقعی بالا (فقط بمنظور نگارش علمی) کنترل و نظارت دستگاه اداری از طریق تمرکز وجود و سیرده در هر کشوری بسیار مفید است و یکی از مهمترین نظام کنترل و نظارت مالی و اداری میباشد.

اما باید دانست که یکی از عوامل بوجود آورنده نارسائیهات و عدم کنترل دستگاه اداری و سازمانیهات ارباب رجوع هستند. همچنانکه در شماره‌های گذشته هم اشاره گردید. پس عدم آشنائی ارباب رجوع به امور اقتصادی و اجتماعی ملی و فقدان بشرفتهای فرهنگی جامعه یکی از مضرترین عوامل خطرناک بوجود آورنده هرج و مرج دستگاههای اداری است بنابراین کسی که در محضر نیت اسنادی اقدام بانجام معاملاتی قطعی یا ترضی نماید و جوه پرداختی دولت را بحسابهای دولتی مربوط بخود واریز و اعلام نماید، بانکی واریزی را بحضردار ارائه و بول را نفدان "دودستی و کورگورانه و بی حساب بخدمت محضردار نکند، مسلماً جوه دولت از بین نرسود، و نا اگر کسی مالیاتی پرداخت مینماید با قوانین و مقررات آشنا باشد و مالیات مذکور بحساب تعیین شده دولتی واریز نماید و آنرا به نامورین وصول نفدان " پرداخت نکند، جوه عمومی دولت حذف و مبل نمیشود و نامور هم آلوده نمیگردد. یکی از وقایع زنده که در روز ۱۷/۱۱/۳۶ رورباعه کتهان درج شد بود و همچون نظریاتی از درناحاکای سرانیات مراتب بالا است و آن واقع جنس بود که دوکارمند سپردارن کرنا ساه با سهام جعل اسناد و مدارک دایره عوارض بسازی بانک سپردار تحت تعقیب قرار میگردند، و غیر مذکور در حدود ۲۰ الی ۳۰ هزار تومان از مردم جوه عوارض بسازی احد میکند

حساب مربوط به برداری و ارزشی باشد و عامل اصلی کشف این آلودگی یکی از ارباب  
 ع بردارنده، عوارض نوسازی بوده است. بنابراین هرگاه تمام مردم کشور ارباب رجوع  
 ارات و شرکت‌ها که ماهانه مللاردها ریال بابت مالیات و عوارض و حق‌الارز و سایر  
 سهای قانونی بدولت، سازمانهای دولتی می‌پردازند، و بردارندگان مذکور دارای فرهنگ  
 و اجتماعی پیشرفته‌ای باشند و بدهی‌های مذکور را بحسابهای مرکزی مربوط در بانکها  
 اخت و با ارائه یس و با رسید بانکی سوبه حساب نمایند و از پرداخت بول تعد  
 بندان و سازمانهای اداری خودداری نماید. ناه شرکتی دولتی و اسخاص حقوقی  
 کت که بهر طریق منبع درآمد کشور هستند و باسی وجوهی بدولت پرداخت نمایند و  
 ؛ این وجوه را بحسابهای مرکزی تعیین شده، خزانه پرداخت کند و فوانس و مقررات  
 کز حسابها را کاملاً و دقیقاً رعایت را احرا نمایند، از هرج و مرج و سوءاستفاده و حیف  
 بل وجود عمومی از این طریق جلوگیری شود. بر سبب مرکز وجوه کارکنان امور مالی  
 نام دستگاه اداری؛ کنترل و نظارت میکند. از طرفی این وظیفه وزارت دارائی و امور اقتصادی  
 و ر است همچنانکه عمل نموده و حسابهای مرکزی را برای هر نوع درآمد و نعل و انتقال  
 بوهی تعیین نموده است نسبت به کنترل و نظارت دقیق این امر مهم اقدام نماید و بوسله  
 اید و کتابچهها و دستورالعملهایی کلیه حسابهای مذکور را باغلاچ عموم برسانند و  
 ااحینای مورد بحث را فقط از طریق و ارباب بحسابهای مرکزی در بانکها مجاز بدانند و  
 ارات وصول؛ اصال مالیات و نعل اسفال وجود هم با مردم و هدف دولت همکاری جدی  
 اند که هیچگونه پرداخت نقدی صورت نگیرد، آنوقت است که بدینوسله دستگاه اداری  
 طریق مالی با حدی کنترل خواهد شد.

پردادی از حسابهای خزانه در بانک مرکزی شرح زیر است .

درآمدهای وزارت کشاورزی	۷۳۸	حساب شماره
درآمدهای وزارت جنگ	۷۷۰	حساب شماره
درآمدهای شهرداری تهران	۷۶۲	حساب شماره
درآمد گذرنامه	۷۴۲	حساب شماره
درآمد وجوه برگشتی وزارت جنگ	۷۱۴	حساب شماره
درآمد مالیات اتموبیل‌های تهران	۵۸	حساب شماره
درآمد شهرداری تهران	۸۵۹	حساب شماره
درآمد فروش اسلاد خزانه	۸۷۶	حساب شماره
درآمد پرداخت اسناد خزانه	۱۵۶	حساب شماره
	۱۵۸	حساب شماره

حساب شماره	۱۵۷	مربوط باورای نرضه
حساب شماره	۱۵۳	
حساب شماره	۱۵۴	
حساب شماره	۲۷	حساب درآمد نمبر
حساب شماره	۲۳۹۷	سر باسوریزه وزارت کشاورزی
حساب شماره	۸۰۰۱	وجود خزانه
حساب شماره	۸۰۰۴	
حساب شماره	۸۰۰۳	

تعداد از حسابهای مالیاتی در بانک ملی که پس از جمع ندن حسابهای خزانه در بانک مرکزی واربر میگرددند .

۱۷۰۹۶۰۱۸ و ۹۶۰۱۹ و ۹۶۰۲۰ و ۹۶۰۳۰ مالیاتهای مستقیم مناطق تهران و حساب شماره ۲۵۰۰۵۰۵ در بانک رفاه کارگران مربوط به درآمد صندوق بیمتهای اجنبای

حساب شماره	۷۸۸۹۱	درآمد احسن شبر تهران در بانک ملی
حساب شماره	۱۵۰۷۷	درآمد گذرنامه نهرداری در بانک ملی
حسابهای شماره	۹۶۱۱۱	حسابهای درآمد از منابع شرکتها
نواد ۷۶ و ۷۵	۹۶۲۲۲	
مالیات بر درآمد شرکتها	۹۶۳۳۳	

منابع درآمد دولت در سرآورد بودجه سالهای مختلف

سال بودجه	سال بودجه	موضوع درآمد
۲۵۲۶	۲۵۳۷	درآمدهای مالیاتی برمال
۲۲۰۸۴۲۸۴۲	۶۱۴۲۴۲۶۳۳	درآمد نفت و گاز
۱۲۷۲۷۲۷۸۹۴	۱۵۴۱۷۵۵۸۵۰	درآمد نیروی کالا و خدمات
۳۰۳۰۵۴۸۹	۳۲۰۲۳۲۳۲	درآمد از انحصارات
۲۷۹۱۳۴۸۳	۴۰۷۷۸۳۴۹	درآمد منفرفه و بحد
۶۶۵۴۲۷۴۹	۱۴۳۸۸۴۵۹۰	درآمد منابع نامس اعتبار
۲۵۰۰۰۰۰۰۰	۲۰۰۰۰۰۰۰۰	درآمد بهره وامهای خارجی
۲۰۲۸۰۰۰۰۰	۲۱۲۸۰۰۰۰۰	